



این سارق احتمالی، فرار کرده است. مصطفی می گوید: «پلیس جلوی خانه این فرد، روی جاکفشی، کفشهای را می بیند که کف آن، دقیقاً مشابه همان رد پای در برف بود. آنجا بود که شک پلیس به یقین تبدیل شد. با این حال هنوز موفق نشده اند که این فرد را دستگیر کنند. با همه اینها و اینکه مراحل پیدا کردن سارق هنوز به اتمام نرسیده است، عمو سهراب، سه پسر شکر برای قلدردانی از زحمات پلیس برای پیگیری این پرونده تهیه کرده که یکی از آنها را جلوی در کلاتری نصب کرده است!»

مصطفی با پلیس تماس می گیرد و آنها شروع به جست و جوی می کنند تا اینکه به ردپایی که در برف جامانده است می رسند. پلیس و مصطفی، از ردپا عکس می گیرند و همین سرنخ، به شناختن سارق احتمالی کمک می کند. چند روزی می گذرد. پلیس با احضار فردی که به آن مظنون شده بود سعی می کند با سرعت به پایان این ماجرا دست پیدا کند؛ ولی آن فرد در روز و ساعت مقرر در محل اداره پلیس حاضر نمی شود. اینگونه می شود که پلیس با حکم قضایی برای بازداشت این فرد جلوی در خانه اش حاضر می شود؛ ولی متوجه می شوند که

مصطفی در ادامه تاکید می کند که قبلاً هم دزد به خانه شان رفته و حلدس می زند که این بار هم کار همان دزد قبلی است که حسابی راه و چاه خانه را یاد گرفته است. او می گوید: «امن و برادرم یک تلویزیون جدید خریده بودیم. هنوز آن را از جعبه خارج نکرده بودیم که دیدم سر جایش نیست و آنجا کاملاً مطمئن شدم که دزد به خانه من نیز آمده است. کمی دقت کردم و دیدم هیچ دری باز نیست؛ متوجه شدم که دزد نتوانسته از در وارد خانه شود و از بیرون، با استفاده از دیلم، پنجره آشینز خانه را باز کرده است. به اتاق خواب که رفتم، دیدم زدم، پتوهای نو را از کاور در آورده و روی زمین انداخته و در آن کاور، یک سری قابلمه ریخته و با خودش برده است. دزد می دانست ما اهل آنجا نیستیم و هر از گاهی رفت و آمد داریم. برای همین متوجه شده بود که ما دیر به دیر به آنجا سر می زیم؛ بنابراین زمانی را برای از دزدی انتخاب می کرد که آب و هوا مساعد نباشد. آن شب هم حسابی برف باریده بود و فقط خواست خدا بود که من تصمیم بگیرم به خانه سر بزنم. با همه اینها، برف روی زمین، به کمک ما آمد تا سرنخی از سارق احتمالی پیدا شود»

راز عجیب یک سرقت که فاش شد:

## ردپای دزد پاکنده روی برف

از آن شب، یک سرکشی کوتاه به خانه داشتم و سعی کردم دکوراسیون را تغییر دهم. آنقدر وقتم کم بود که حتی بسیاری از وسایلی که خریده بودم را از جعبه اش بیرون نیاوردم. به فاصله چند روز، مجاد به خانه سرزدم و بلافاصله بعد از ورود به حیاط، متوجه شدم موزاییکی که روی کنتور گذاشته بودم سر جایش نیست. قبلاً در فلزی کنتور را دزدیده بودند و من با یک قطعه موزاییک، روی آن را پوشانده بودم. اینکه آن شب دیدم که موزاییک هم روی در کنتور نیست، با خودم فکر کردم که سارقان چقدر نیازمند شده اند که به سرمایه کم هم رحم نکنند! مصطفی کسی جلوتر می رود و مسی بیند که همان موزاییک، به صورت اریب، لبه دیوار گذاشته شده است به طوری که از آن طریق، دسترسی به بالکن طبقه دوم بسیار راحت می شد. او همان جایی که ایستاده بود خشکش می زند. کمی به پرده پشت در بالکن دقت می کند و تصویری کند که پرده کمی جمع شده است و شبیه قبل نیست. او سریعاً خودش را به طبقه دوم، یعنی خانه عمو سهراب می رساند و در را باز می کند و می بیند که فرش قسمت پذیرایی خانه جمع شده است. آنجاست

گروه حوادث – دزد پاکنده تصور نمی کرد ردپایش روی برف برای افشای راز تبهکارانه اش کافی باشد. عمو سهراب و برادرزاده اش، مصطفی، تصمیم می گیرند برای گذران تعطیلات در شهری خلوت و خوش آب و هوا، یک خانه دو طبقه خریداری کنند. تریجیحشان، شهر فاروج، واقع در استان خراسان شمالی است. برادرزاده طبقه اول و عمو، طبقه دوم این خانه را انتخاب می کنند. مصطفی که به تازگی ازدواج کرده است، وسایل نو و آکیند برای خانه تهیه می کند. عمو سهراب نیز اسباب و اثاثیه ای که در خانه تهران اضافه بود را به خانه جدید منتقل می کند. همه چیز خوب و خوش به نظر می رسد تا اینکه یک سارق، متوجه می شود که رفت و آمد به این خانه کم است و احتمال می دهد که صاحب خانه، آنجا را برای گذران اوقات فراغت در نظر گرفته است، برای همین، مورد خوبی برای سرقت به نظر می رسد. ماجرای سرقت مربوط به پیش از شش یلدای سال گذشته است؛ یعنی همان شبی که مصطفی تصمیم می گیرد سری به این خانه بزند. او می گوید: «چند روز قبل

دختر جوان راز جنایت را فاش کرد:

## مرد ورز شکار وقتی خیانت زنش را فهمید در بام تهران کشته شد

گروه حوادث – زن و مرد جوانی که دست به جنایت هولناکی در "بام تهران" زده بودند، با تیزهوشی کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی دستگیر شدند.

آذرماه سال ۱۴۰۱، مرد سالخورده‌ای به اداره دهم پلیس آگاهی مراجعه کرد و هنگامی که مقابل کارآگاهان قرار گرفت، گفت: چند روزی می شود که از پسر و همسرش بی خبرم، هر چقدر هم با تلفن همراهشان تماس می گیرم خاموش است؛ همسایه‌ها هم مدعی هستند ۲ روز است که آنها را ندیده‌اند. پس از تشکیل پرونده و ثبت شکایت مرد سالخورده، تیمی زنده از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند و تحقیقات را در رابطه با این پرونده آغاز کردند.

تحقیقات در رابطه با این پرونده ادامه داشت تا اینکه ۱۰ روز پس از ناپدید شدن زوج جوان، دختری پای در یکی از کلاتری‌های پایتخت گذاشت و مدعی شد می خواهد در یک جنایت رافاش کند

دختر جوان، هنگامی که مقابل ماموران پلیس قرار گرفت، گفت: با تهیه دوستانم شاهد قتل مرد جوانی بودم، من در یک کافه با الناز و داریوش آشنا شدم؛ داریوش در کافه کار می کرد و الناز هم زنی متأمل و جوان بود و دقت و آمدهای من به کافه باعث دوستی ما ۳ نفر شد؛ من به خانه الناز می رفتم و به این طریق با شوهرش نیز آشنا شدم. شوهر الناز خوش قیافه و ورز شکار بود؛ همچنین الناز می گفت که با او مشکل و اختلاف زیادی دارد و بعد از مدتی هم متوجه شدم که الناز با داریوش روابط پنهانی برقرار کرده است. او ادامه داد: یک شب که با الناز و داریوش به بام تهران در ولنجک رفته بودیم آن‌ها از من خواستند با شوهر الناز تماس بگیرم و او

را به پنهانی‌ای به آنجا بکشانم؛ به ناچار تماس گرفتم و به دروغ به او گفتم می خواهم در مورد الناز صحبت کنم و او هم که از ماجرا بی خبر بود خودش را به محل قرار رساند؛ زمانی که به محل رسیدم با دیدن همسرش و داریوش تعجب کردم.

دختر جوان مدعی شد: ناگهان درگیری بین داریوش و مرد جوان آغاز شد که شوهر الناز در این درگیری با ضربات چاقو به قتل رسید و سپس جسدش توسط قاتل به دماوند برده شد و در آنجا به آتش کشیده شد. آنها نیز با یکدیگر قرار گذاشتند پس از جنایت به ترکیه سفر کنند.

### کشف جسد مقتول در دماوند

با اعتراف صریح دختر جوان، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ۲۷ آذرماه سال ۱۴۰۱، راهی دماوند شدند و پس از چندین ساعت تجسس، جسد مقتول را پیدا کردند؛ تیم جنایی برای اطمینان از هویت مقتول از خانواده مقتول خواستند تا برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی بروند.

با حضور خانواده مقتول در سردخانه پزشکی قانونی از روی لباس‌ها و ساعت پسرشان، هویت جسد سوخته را شناسایی شد و بدین ترتیب بررسی‌های تخصصی کارآگاهان جنایی دایره قتل پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری متهمان آغاز شد. تحقیقات تیم جنایی نیز نشان می داد، مقتول روز قبل از جنایت متوجه شده بوده که همسرش از تباط پنهانی دارد و متهمان از قبل نقشه قتل را طراحی کرده بودند.

### شناسایی مخفیگاه متهمان در تهران

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در نخستین گام با اقدامات اطلاعاتی و مخبراتی متوجه شدند، متهمان قصد داشتند به

صورت غیرقانونی از مرز زمینی به کشور فرار کنند. اما موفق نشده‌اند و آنها به شمال ایران رفته‌اند.

کارآگاهان پس از دریافت این سرنخ مهم، با بررسی‌های موشکافانه و تیزهوشی متوجه شدند، متهمان از شمال کشور به شهریار آمدند و مشغول شربینی فروشی هستند که همین اطلاعات مهم کافی بود تا کارآگاهان برای دستگیری آنها وارد عمل شوند.

### اعتراف به قتل هولناک در شمال تهران

کارآگاهان پس از دریافت مجوزهای لازم قضایی، ظهر امروز ۲۸ فروردین ماه، راهی مخفیگاه زن و مرد جوان شدند و پس از تعقیب و مراقبت چند دقیقه‌ای با یک عملیات خفاگیرانه متهمان را دستگیر و برای تحقیقات و به اداره دهم پلیس آگاهی منتقل کردند.

متهمان پس از انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی در تحقیقات ابتدایی به جرم خود مبنی بر قتل مرد جوان اعتراف کردند و مرد جنایتکار مدعی شد: مقتول با چاقو در بام تهران به من حمله کرد.

من هم چاقو را از دستش گرفتم و ۴ ضربه به بدن او وارد کردم. متهم ادامه داد: پس از به قتل رساندن مقتول جسدش را به دماوند بردم و در آنجا تصمیم گرفتم تا جسد را به آتش بکشیم؛ پس از آتش افروزی، به مرزهای غربی کشور رفتم تا به ترکیه فرار کنم اما قاچاقچی‌ها پول‌هایی که داشتیم را هدف سرقت قرار دادند که مجبور شدیم پنهانی به تهران برگردیم.

با دستور قضایی جنایی، متهمان برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند و تحقیقات در رابطه با این پرونده ادامه دارد.

## بازگشت به صف اعدام بعد از بی گناهی در جنایت خونین

گروه حوادث – پسر جوان که پیش تر از اتهام قتل عمدی تبرئه شده بود با شکسته شدن حکم در دیوان عالی کشور برای دومین بار در دادگاه کیفری تهران از خود دفاع کرد.

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. وقتی داریوش در جایگاه متهم ایستاد به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: من دشمنی با مهراد نداشتم. او می خواست دستبند دوستم را به زور از او بگیرد او خودش دعوا را به راه انداخت و چون مقاومت مرا دید با قمه سه ضربه به سرم زد. حتی جای یکی از زخم ها هنوز روی پیشانی ام نمایان است. خون از پیشانی ام جاری شده بود و چشمانم جایی را نمی‌دید. من برای دفاع از خودم چاقو را که همراه داشتم بیرون آوردم و با انتهای چاقو ۲ ضربه به پیشانی مهراد زدم. درخواستم هر طور شده آنجا را ترک کنم اما او مانع فرار من شد. همان موقع ناخواسته تیغه چاقو به گردن او برخورد کرد و من اصلاً متوجه این ماجرا نشدم.

وی ادامه داد: باور کنید من قصد کشتن او را نداشتم. من فرار کردم و صبح روز بعد در بیمارستان متوجه شدم مهراد کشته شده است.

با پایان دفاعیات متهم قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند. اصل کارت کیشوندی به شماره ۰۱/۲۳۴۵۴۳/ به نام علی محمد خسروی شاکری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کرد. من و دوستم بلافاصله فرار کردیم اما پس از چند دقیقه بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم در بیمارستان بودم. صبح روز بعد متوجه شدم مهراد در آن درگیری کشته شده است، باور کنید من قصد کشتن او را نداشتم.

### نخستین دادگاه

بسه دنبال اعترافات پسر جوان برای وی کیفرخواست صادر و پرونده اش برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و داریوش پای میز محاکمه ایستاد.

در دادگاه وی ادعای دفاع مشروع را مطرح کرد و گفت: باور کنید اگر مهراد را زنده بودم در آن دعوا کشته می شدم. چاقو ناخواسته با گردن مهراد برخورد کرد و موجب مرگ او شد. من خصوصی با او نداشتم.

در پایان جلسه قضات دادگاه ادعای وی مبنی بر دفاع مشروع را پذیرفتند و او را از قصاص معاف و به پرداخت دیه محکوم کردند.

### محاکمه دوباره

با اعتراض اولیای دم به حکم، پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت که حکم صادره شکسته شد. به این ترتیب پرونده پسر جوان برای رسیدگی دوباره به شعبه هم عرض ارسال شد.

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

## مفقودی

## خشکشویی

## خدمات

## استخدام

**۴ نفر نیرو جهت توزیع و پخش برای شرکت کیش نوش نیازمندیم**  
۲۲-۴۴۴۷۳۴۲۱

**به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیازمندیم.**  
۴۴۴۲۴۹۹۹

**استخدام منشی عصر ساکن کیش**  
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

**استخدام نیروی خدماتی**  
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.

**استخدام منشی صبح ساکن کیش**  
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

**خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش**  
۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸  
با مدیریت عسکری

**خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی**  
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

**خدمات برق**  
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

**دوربین های مدار بسته درب های اتوماتیک دارکوب**  
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

## حمل کالا

**حمل و جابجایی کالا**  
با ۶ چرخ در سطح جزیره  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

## صنایع چوب

**صنایع چوب حلاج کیش**  
کلیه سفارشات MDF، چوبی

**دکوراسیون غرفه و منزل**  
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

**شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش**  
ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترم ووود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۹۸۲۵۵۸

## مبل شویی

**مبل شویی سیار**  
شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش  
با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت

**در اسرع وقت**  
۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳  
۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

**صنایع چوب حلاج کیش**  
کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل  
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲